

آمار منتشر شده نشان داده که فقط حدود دو میلیون ایرانی مهاجر در ایالات متحده آمریکا زندگی می کنند که اغلب نسل دوم یا به عبارتی متولدین در آمریکا هستند.

شما بازگشت این رقم قابل تامل به کشور را امکان پذیر می دانید؟

یکی از اهداف ما در اینجا جمع آوری ایرانی ها در یک سازمان واحد است که در درجه اول خود را ایرانی بدانند. این ایرانی ها در اینجا مقیم شده اند. حق رأی دارند. در لوس آنجلس شهردار شده اند (قابل توجه شما که این فرد خانم است). ایرانی هایی بسیار موفق که دولت توجهی به آنها نشان نداده است. اینها بعضاً در حال رفت و آمد به ایران هستند اما قصد بازگشت ندارند. بخش کوچکی از این عده دوست دارند که در ایران سرمایه گذاری کنند در ایران احساس امنیت اقتصادی نمی کنند.

در مجموع باید گفت که دولت در جذب ایرانی ها موفق نبوده است. یعنی اصلاح کاری انجام نداده است که اینها را جذب نماید و بیشتر حرف بوده.

منظور شما دولت جدید است؟

آقای خاتمی حرف های شان امیدوار کننده است اما هنوز جامعه عمل نبوده. من برای ایشان بسیار احترام قائلم و دوستشان دارم و معتقدم که باید حمایتشان کرد. اما خوشبین نیستم که در دوره ایشان اصلاحات زیادی انجام گیرد. ایران آقای خاتمی را می خواهد که قاطعیت های امام خمینی را داشته باشد. حرف های خاتمی درباره جوامع مدنی درست است. توسعه سیاسی، آزادی بیان و ... بخشی از این توسعه سیاسی باید شامل نیروهای خارج از کشور باشد اما توجهی به ایرانی های خارج از کشور نیست. اینها خیلی چیزها دارند. هم از نظر علم و دانش و هم سرمایه و هم از نظر ارتباطات جهانی ایشان که می توانند گروه ها و انسان های دیگر را هم با ایران مرتبط کنند. ولی متأسفانه دولت علاقه مدنی نشان نمی دهد. برای اینکه فکر می کنند این ارتباطات تبعاتی دارد که در حال حاضر آماده آن نیستند.

منظور شما از این پیامها و تبعات چیست؟

ببینید بستگی دارد که نحوه این ارتباط چگونه باشد. اگر فرض کنید که اینها بخواهند بازگردند، تأثیرات اجتماعی عمیقی را ایجاد می کنند. کمالاتی که طی ۵، ۶ سال گذشته که ایرانی ها در آنجا بودند، تأثیراتی را نیز گذاشته اند. روز دیگر از یک جوان در ایران بپرسی که چه می خواهی، می گوید: آزادی. این آزادی، تنها حق رأی دادن نیست. این اشکالی است که دولت باید به آن توجه کند و خواسته ها را مطابق شئون کشور مسیر دهد. بنابراین در چنین جامعه ای که مسائل آنقدر ابتدائی است و برخوردها با جهان و دنیای متحول این اندازه ضعیف است. طبیعی است که اگر خیل عظیم ایرانی های خارج از کشور پایشان به کشور باز شود برنگر ها، رفتارها و همه چیز تأثیر خواهند گذاشت که مطلوب دولت نیست.

من مقاله جامعه مدنی را دو سال قبل از آقای خاتمی مطرح و در دو شماره در ایران فردا نوشتم. درآمدی بر جامعه مدنی در ایران. آن زمان، این اولین مقاله ای بود که با موضوع جامعه مدنی در ایران مطرح می شد. خیلی ها فکر می کردند که موضوع حرف بی ربطی است. اما همان زمان هم من گفتم که در کشوری که در آن سازمان های سیاسی

دکتر هوشنگ امیراحمدی صاحب نظر ایرانی مقیم خارج، یکی از شخصیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شمار می رود. در حال حاضر هوشنگ امیراحمدی در اتحادیه جامعه آسیا که یکی از معتبرترین انجمن های مطالعات آسیایی در دنیاست در بخش آسیا و ایران فعال است و به کار تدریس در دانشگاه راتگرز آمریکا نیز اشتغال دارد. آخرین نوشته امیراحمدی درباره اوضاع دریای خزر زیر چاپ است که در اوائل سال میلادی جدید منتشر خواهد شد. گفت و گوی زیر در حاشیه اولین کنفرانس تبادل نظر روزنامه نگاران ایرانی و آمریکایی هفته آخر آبان ماه در نیویورک انجام گرفته است و در برگیرنده چالش های این صاحب نظر در رابطه با وضعیت ایرانیان خارج از کشور و سیاست گذاری های دولت است.

کاملیا انتخابی فر

گفت و گوی گزارشگر روزنامه زن در نیویورک
با: دکتر هوشنگ امیراحمدی صاحب نظر ایرانی

ایران آقای خاتمی را می خواهد با قاطعیت امام خمینی (ره)



در کشوری که در آن سازمان های سیاسی سازمان نیافته است طرح جامعه مدنی بسیار خطرناک است. و حالا حتی در قالب جامعه مدنی نیز دولت نتوانسته با ایرانیان خارج از کشور ارتباط بگیرد.

شما می گوید که طرح جامعه مدنی آقای خاتمی طرح موفق نبوده است؟

مثال می زنم. روزنامه زن و همشهری، روزنامه های سیاسی نیستند. همشهری از رگان شهرداری است. زن، توجه به مسائل بانوان دارد، سلام است که از رگان روحانیون مبارز است. اما حقیقت این طور نیست. همه روزنامه ها به شکلی سیاسی هستند و خط دارند. چرا این اتفاق می افتد؟ چون در ایران حزب سیاسی هنوز شکل نگرفته است. حرفش هست. اما فرهنگ حزب نیست. و در ایران تا زمانی که سازمان های سیاسی شکل نگرفته باشند جوامع مدنی نمی توانند رشد کنند. ولی وقتی حزب نباشد، مثلاً می روی در ادارات، می بینی همه درباره افغانستان اظهار نظر می کنند. در اتوبوس، تاکسی، چرا؟ چون حزب سیاسی در جامعه نیست و بحثها و حرف های سیاسی درون جامعه می آید. جوامع مدنی آمادگی می خواهد و جامعه ایران هنوز آماده نیست. چون در غیر این صورت خود جامعه مدنی تبدیل به احزاب سیاسی می شود و بسیار خطرناک است که چیزی بیشتر از درگیری نیست. یعنی

اتفاقی که در ایران افتاده است. هرکسی که از راه می رسد یک حزب دارد. یک عده ضعیف و یک عده قوی اند و همه می خواهند که خود را در چارچوب جامعه مدنی مطرح کنند. چون اینجا جامعه مدنی یک پناهگاه است. این حرکت فرصت طلبانه، متأسفانه پیش آمده است. من مثال جامعه مدنی را زدم تا بگویم، دولت و کشور برای خیلی چیزها آماده نیست و با این شعارها

این بد است این نیرو بهره گیری ندارد. سرباز می شود. پزشک می خواهد، تلفن، خدمات اجتماعی و ... من فکر می کنم، کاری که دولت می تواند انجام دهد به جای بازگرداندن باید سیاست اتصال مجدد را در پیش بگیرد. مادر ایران فقط به فرهنگ فکر می کنیم و به اقتصاد توجه چندانی نداریم. تا حرف از ایران می شود، می گویم، ایرانیان خارج از کشور فرهنگ ایرانی بودن را حفظ کنید! اینجا فرهنگ ایرانی، حاشیه شده است. بچه ها فارسی بلد نیستند. و آنهایی هم که بلدند بهتر است که صحبت نکنند! ایرانی های خارج از کشور ارزش فرهنگی اشان کمتر از ارزش علمی و مالی اشان شده است.

در ایران هم این فرهنگ دستخوش هجوم است در مجله تدبیر مقاله ای از یکی از معاونین وزارت پست و تلگراف می خواندم که در جمع مدیران سخنرانی کرده بود. تقریباً ۹۰ درصد مفاهیمی که به کار برده بود، انگلیسی بود. من اعتقاد ندارم که ایرانی های خارج از

زن های ایرانی خوب جلو آمده اند و بقیه مسیر را هم خواهند پیمود

کشور حامل یا عامل فرهنگ سازی برای ایران در سایر کشورها باشند. نسل دومی که اینجا متولد شده، حداکثر تا ۲۰ سال دیگر کاملاً با ایران غریبه می شود.

اما ما دیدیم که حضور آقای خاتمی در سازمان ملل و سخنرانی برای ایرانیان بسیاری از این نسل دوم را تشویق و علاقمند نمود.

الان در خارج از کشور یک جهش عجیبی بر علیه ایشان وجود دارد. خاتمی یک دفعه جلو آمد و گل کرد و در سه ماه گذشته بسیار افول داشته و من دلیل آن را فقط به خاطر بی عملی هایش می دانم. یکجایی حرف باید خودش را نشان بدهد. ممکن است ایشان بگویند که باید صبر کنیم. ۵ سال، ۱۰ سال. نحوه عمل را نمی گویم غلط است. ممکن است اگر من هم جای ایشان بودم همین کار را می کردم. اما جامعه نمی تواند صبور باشد. خواست ها به قدری زیاد و زمان به قدری برایشان کوتاه است که فردی که ۵۰ سال دارد و به وی می گویم صبر کن، می گوید من به چه چیز صبر کنم؟ ۱۰ سال

دیگر زفتم او من در دولت این توان را نمی بینم. آقای خاتمی آمد و برای ما شاهنامه شعر خواند و گفت که ما آدم های خوبی هستیم. حرف های قشنگی زد. اما برنامه ای برای ماندن داشت. نگفت که من می خواهم انجمن برای ایرانیان راه اندازی کنم. تشویق می کنم که هرکس می خواهد جامعه ای برای ایرانیان باز کند از سفارت کمک بگیرد. دولت به بهترین برنامه برای جذب ایرانیان سرمایه می دهد و ... و این ناامید کننده بود.

شما چه پیش بینی از دوره های بعدی ریاست جمهوری در ایران دارید؟ آقای خاتمی باید هشیار باشد. به زودی گروه های مرگ در کشور به راه خواهد افتاد که کار ایشان را بیش از پیش مشکل خواهد ساخت. ایشان هنوز هم در ایران شخصیت محبوبی است که مردم امیدوار به اصلاحات و عده داده شده هستند. اما خوب چنانچه رقیب هایی با جذابیت هایی بیشتر مطرح شوند. ممکن است که برای دوره دوم رأی کمتری بیاورند. به خصوص اگر زنان بتوانند از موانع شورای نگهبان عبور کنند.

شما ریاست جمهوری زنان در ایران را عملی می دانید؟

یادم است که ۳ سال قبل در یک صحبتی آقای رفستجانی گفته بودند که هنوز زن ها پتانسیل ریاست جمهوری را ندارند که من همان زمان اعتراض کردم. چون همین الان اگر حکومت بخواهد من می توانم ۱۰ زن را اسم ببرم که از بهترین مردهایی که مشغول به کارند قابلیت های بیشتری دارند که کشور را اداره کنند. زن ایرانی سالهاست که به این ظرفیت رسیده که رهبر کل جامعه شود. خانم های بسیاری این ظرفیت را دارند که فائزه هاشمی هم یکی از آنها می باشد. مساله زن ایرانی مساله نهادی است. شهلا شرکت در جامعه آسیا گفت: در ایران کسی به ما چیزی نمی دهد ما می گیریم. این درست است و زن ایرانی می داند که چطور حق خود را بگیرد. متأسفانه شورای نگهبان و قانون اساسی به طور نهادی زن را محدود می کند. اینجا یادم هست که خانم ابتکار در برنامه ای دعوت شدند که متأسفانه نیامدند و در مطبوعات اینجا نوشتند که ایشان با شوهرشان دعوا کرده بود و شوهرش به وی اجازه خروج از کشور نداده بود! می دانید زن های ایرانی خوب جلو آمده اند و بقیه مسیر را هم خواهند پیمود.